

روشناسی استنباط اسرار حج

محمد علی رضایی اصفهانی

در آمد

حج دارای ابعاد مختلفی است، از جمله:
(الف) احکام حج (مناسک): که در آیات و احادیث مختلف بیان شده است.
(ب) آداب و مستحبات حج: که از آیات قرآن و سنت انبیای الهی همچون ابراهیم علیه السلام و پیامبر صلی الله علیه و آله و سنت اهل بیت علیهم السلام به دست می آید.
(ج) تاریخ حج: که در منابع تاریخی، به ویژه مطالب تاریخی که در قرآن و روایات بیان شده است.

(د) اسرار حج: که مجموعه ای از معارف حج را بیان می کند، که روی دوم سکه احکام، آداب و تاریخ حج به شمار می آید و شاید مهم ترین بُعد معرفتی حج باشد.

از این روست که در قرآن کریم، از حدود ۳۰ آیه ای که در مورد حج بیان شده^۱ تنها حدود یک سوم آن ها شامل احکام حج است و بقیه موارد، تاریخ و اسرار حج را بیان کرده است. البته همان آیاتی که در مقام بیان احکام حج است نیز، گاهی به اسرار حج اشاره می کند.

مفهوم‌شناسی اسرار حج:

صاحب‌نظرانی که در مورد اسرار حج مطالبی نوشته‌اند و در مورد اسرار حج مطالبی دارند، کمتر به تعریف آن پرداخته‌اند^۲ و بیشتر به مصادیق و موارد اسرار پرداخته‌اند. اما از مجموع سخنان و بررسی موارد، می‌توان اسرار حج را این‌گونه تعریف کرد:

«مجموعه معارفی که به‌عنوان فلسفه و حکمت، آثار و فواید، اهداف، علت و ملاک احکام، آموزه‌ها، پیام‌ها و باطن مناسک حج، از منابع معتبر (کتاب، سنت، عقل و تاریخ) به‌روش صحیح استنباط می‌شود.»

اقسام اسرار:

از مجموع مواردی که به‌عنوان اسرار حج از آیات و روایات و تاریخ قابل برداشت است و نیز از بررسی مصادیقی که دانشمندان و صاحب‌نظران به‌عنوان اسرار بیان کرده‌اند، می‌توانیم به این نتیجه برسیم که مقصود از اسرار حج، هرکدام از هفت مورد زیر است:

۱. فلسفه و حکمت مناسک حج

فلسفه و حکمت احکام، علت تامه حکم را بیان نمی‌کند، بلکه به زمینه‌های احکام اشاره دارد، که گاهی این زمینه‌ها قبل از صدور حکم وجود داشته و لازم است با مناسک حج تقویت شود یا حج زمینه‌ساز به‌وجود آمدن آن‌ها است. گاهی در آیات و روایات به فلسفه و حکمت احکام و آداب حج اشاره شده است.

مثال: فلسفه و حکمت قربانی حج، رسیدن به تقوی است؛ یعنی حج‌گزار با فدا کردن اموال خود، نشان می‌دهد که در برابر خدا فرمان‌پذیر است و حالت خودنگهداری و پرهیزکاری خود را به نمایش می‌گذارد و روح تقوی را در خود تقویت می‌کند. قرآن کریم در این مورد می‌فرماید:

﴿لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومُهَا وَلَا دِمَاؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ مِنْكُمْ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ﴾^۳

گوشت‌های آن (قربانی)‌ها و خون‌های آن‌ها به خدا نمی‌رسد، ولیکن پارسایی (و

خودنگهداری) شما به او می‌رسد؛ این‌گونه آن‌ها را برای شما رام ساخت، تا خدا را به پاس این‌که شما را راهنمایی کرده بزرگ شمارید؛ و نیکوکاران را مژده ده.»

نمونه این مطلب، در سوره بقره (آیه ۱۹۷) و سوره حج (آیه ۳۲) آمده است. مثال دیگر: حج زمینه‌ساز استغفار و توبه و بخشش گناهان است. در برخی آیات، حج را زمان استغفار^۴ و در روایات نیز حج را زمان بخشیده شدن گناهان معرفی کرده است.^۵

۲. اهداف حج

هدف همان علت غایی است که حج‌گزار می‌خواهد بدان برسد، هرچند که علت تامه نخواهد بود، ولی یکی از اجزای علت حج به‌شمار می‌آید. برخی از آیات و روایات به اهداف حج اشاره کرده است و یاد الهی و آشنایی با ولایت از اهداف حج شمرده شده است. مثال: ذکر الهی از اهداف حج:

«لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ مِّنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطِعُوا الْبَائِسَ الْفَقِيرَ»^۶.

تا (در حج) شاهد سودهایشان باشند و در روزهای معینی نام خدا را (به‌خاطر نعمت‌ها و به‌هنگام قربانی) بر دام‌های زبان‌بسته، که به آنان روزی داده است، ببرند؛ پس، از (گوشت) آن‌ها بخورید و (نیز) به‌سختی کشیده‌ی نیازمند بخورانید.»

مشابه این مطلب در آیه ۳۴ سوره حج و آیه ۱۹۸ سوره بقره نیز آمده است. مثال دیگر: از امام باقر (علیه السلام) حکایت شده که فرمودند:

«إِنَّمَا أُمِرُوا أَنْ يَطُوفُوا بِهَذِهِ الْأَخْجَارِ ثُمَّ يَأْتُونَ فَيُعَلِّمُونَنَا وَلَا يَتَّبِعُونَنَا»^۷.

«به مردم فرمان داده شد که پیرامون این سنگ‌های (کعبه) طواف کنند، سپس نزد ما آیند تا ولایت به آنان آموزش داده شود.»

۳. آثار و فواید حج

حج دارای فواید مادی و معنوی بسیاری است، به‌ویژه در زمینه‌های تجاری، سیاسی،



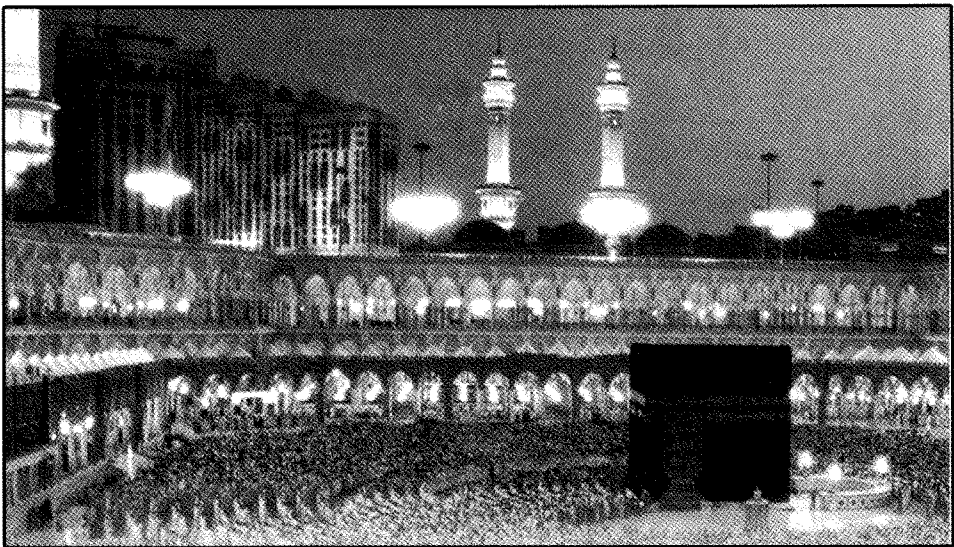
اجتماعی و در برخی آیات و روایات نیز به این فواید و آثار اشاره شده است.
مثال:

يَأْتُونَآ فَيُعَلِّمُونَا وَلَا يَتَّهَمُونَآ «وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ»^۸.

و حج را به مردم اعلام کن، تا به سوی تو آیند؛ در حالی که پیاده و (سوار) بر هر مرکب لاغری هستند که از هر درّه ژرف (وراه دوری می آیند. تا (در حج) شاهد سودهایشان باشند. مثال دیگر: در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که در حج فوایدی برای همه مردم است و... (و از آثار آن) ژرف‌نگری و نقل اخبار ائمه علیهم السلام (به اطراف کشور اسلامی) است.^۹

۴. پیام‌های حج

گاهی با الغای خصوصیت از آیات و روایات مربوط به حج، قواعد و پیام‌های کلی به دست می‌آید که در هر زمان و مکان قابل اجراست و می‌تواند مصادیق جدیدی داشته باشد. مثال: در آیات آغازین سوره براءت، سخن از اعلام براءت از مشرکین در روز حج اکبر (به وسیله امام علی علیه السلام) است،^{۱۰} هرچند که این آیات مربوط به صدر اسلام است، اما با الغای خصوصیت، این پیام به دست می‌آید که «حج را صحنه براءت از مشرکان کنید».



مثال دیگر: حکایت شده که پیامبر ﷺ هنگام ورود به مسجدالحرام، از «باب بنی شیبه» وارد می‌شد،^{۱۱} و در احادیث از امام صادق علیه السلام حکایت شده که در آن جا بت هبل دفن گردیده، از این رو، ورود به مسجدالحرام از این باب مستحب شده است.^{۱۲}

پیام این عمل پیامبر ﷺ برای ما آن است که «در حج، بت‌ها را زیر پا بگذارید.»

۵. آموزه‌های آیه

برخی از مطالب حج، به‌ویژه روایات تاریخی آن، برای ما آموزه‌هایی را دربردارد که می‌تواند برای همه زندگی‌ساز باشد.

مثال: هاجر برای به‌دست آوردن آب در بیابان بی‌آب و علف، میان دو کوه صفا و مروه، هفت بار رفت و آمد می‌کند،^{۱۳} این تلاش هاجر نوعی آموزش برای ماست که برای رسیدن به اهداف خود تلاش خستگی‌ناپذیر داشته باشیم، که در ناامیدی بسی امید است.

مثال دیگر: از دویدن (= هروله) حضرت ابراهیم علیه السلام میان صفا و مروه، که به شیطان حمله‌ور شد یا از دست شیطان گریخت^{۱۴} (که ممکن است هر دو مطلب درست باشد و اشاره به دو اتفاق باشد) اینگونه آموزش می‌گیریم که در زندگی تلاش کنیم گرفتار شیطان نشویم و از دست او بگریزیم و حتی اگر می‌توانیم بر او حمله‌ور شویم.

۶. باطن مناسک حج

بر اساس روایات متعدد، که از پیامبر ﷺ و اهل بیت علیهم السلام حکایت شده، قرآن دارای ظاهر و باطن است.^{۱۵}

در مورد باطن قرآن تفسیرها و دیدگاه‌های گوناگون وجود دارد،^{۱۶} ولی یکی از این دیدگاه‌ها آن است که می‌توان با الغای خصوصیت از آیه قاعده‌ای کلی به‌دست آورد که در هر زمان و مکان می‌تواند مصداق جدیدی پیدا کند.

به‌عبارت دیگر: ویژگی‌های افراد و وقایع خاص از آیه جدا می‌شود و توسعه معنایی در آیه داده می‌شود، تا به‌صورت قاعده کلی رخ نماید. و این معنای جدید یا قاعده کلی لازم معنای آیه است.



در روایات اهل بیت علیهم‌السلام گاهی به بطن آیات حج اشاره شده است:
مثال: قرآن کریم می‌فرماید:

﴿ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَ لِيُوفُوا نُدُورَهُمْ وَ لِيُطَوُّوا بِالْبَيْتِ الْعَتِيقِ﴾^{۱۷}.

«سپس، باید آلودگی‌هایشان را برطرف سازند؛ و باید به نذرهایشان وفا کنند؛ و باید بر خانه باستانی (کعبه) طواف نمایند.»

در حدیثی از امام صادق علیه‌السلام حکایت شده که مقصود از آن برطرف کردن آلودگی‌ها، تراشیدن سر است.^{۱۸}

و در حدیث دیگری از امام صادق علیه‌السلام حکایت شده که به شخصی فرمودند: مقصود از آیه «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» ملاقات با امام است.

در همین روایت حکایت شده که شخص دیگری از امام علیه‌السلام در مورد آیه بالا پرسید و حضرت فرمود: مقصود از آن، کوتاه کردن مو و ناخن است و او به حضرت عرض کرد که شخص اول از شما حکایت کرده که مقصود ملاقات با امام است. حضرت فرمود: «هر دو صحیح است که قرآن ظاهر و باطن دارد.»^{۱۹}

در این روایت، نخست ظاهر آیه «لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ» بیان شده، که همان رفع آلودگی ظاهری و جسمی است، سپس با الغای خصوصیت، یک قاعده کلی از آیه به دست می‌آید که در حج «رفع آلودگی می‌شود؛ چه جسمی و چه روحی و معنوی»، سپس این قاعده کلی بر مصادیق جدید

فلسفه و حکمت قربانی حج، رسیدن به تقوی است؛ یعنی حج‌گزار با فدا کردن اموال خود، نشان می‌دهد که در برابر خدا فرمان‌پذیر است و حالت خودنگهداری و پرهیزکاری خود را به نمایش می‌گذارد و روح تقوی را در خود تقویت می‌کند.

تطبیق می‌شود که همان رفع آلودگی معنوی و آموزش گناهان به وسیله ملاقات با امام است. این‌گونه مطالب نیز از اسرار آیات حج است که در احادیث اهل بیت علیهم‌السلام بیان شده و می‌توانیم از آن‌ها الگوگیری نموده، با دقت در موارد مشابه اجرا کنیم.

۷. علت و ملاک احکام

یکی از جلوه‌های اسرار احکام و مناسک حج آن است که بتوانیم با دلیل قطعی از قرآن، سنت یا برهان عقلی، ملاک و مناط حکم را به دست آوریم. البته به دست آوردن ملاک قطعی و علت تامه تشریح احکام الهی، کاری بس دشوار است و ما در مورد احکام حج، مثال قطعی نیافتیم.

ولی در برخی احادیث تعبیر «علت حج» آمده است:

مثال: در حدیثی از امام رضا علیه السلام حکایت شده که: «اگر کسی بگوید چرا به حج دستور داده شد؟ گفته می‌شود: به علت میهمان خدا شدن، زیاده‌طلبی (در امور معنوی) و خروج از گناهان...»^{۲۰}

یاد آوری: شاید مقصود از واژه «علت» در این گونه احادیث، علت تامه احکام نباشد، بلکه همان فلسفه و حکمت، مقصود باشد.

منابع استنباط و استخراج اسرار حج

۱. قرآن

در قرآن کریم حدود ۳۰ آیه در مورد احکام، تاریخ و اسرار حج بیان شده که یکی از منابع معتبر برای استنباط و استخراج اسرار حج است. این آیات گاهی در بردارنده حکمت، اهداف، فواید، بطن، پیام و آموزه‌های مناسک حج است؛ همان‌طور که مثال‌های آن گذشت. یاد آوری: استفاده از قرآن کریم در این موارد، پیش‌نیازها و پیش‌فرض‌هایی دارد که در مبانی تفسیر و شرایط مفسر و قواعد و روش‌های تفسیر بیان شده است،^{۲۱} که از جمله آن‌ها دلالت صحیح متن به صورت دلالت مطابقی یا تضمینی یا التزامی است.

۲. سنت

سنت پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله و اهل بیت علیهم السلام در بردارنده بسیاری از اسرار حج است که برخی به صورت سنت عملی و برخی سنت لفظی، در ضمن احادیث حکایت شده است. همان‌طور که مثال‌های آن‌ها گذشت.



یادآوری: استفاده از احادیث در این موارد، متوقف بر رعایت مبانی و قواعد حدیثی، بعد از اطمینان از سندی و دلالت معتبر (مطابقی، تضمینی، التزامی) آن‌ها است.

۳. تاریخ

تاریخ، یکی از منابع معرفتی بشر است. تاریخ پیامبران^{۲۲} و اولیای الهی که در قرآن کریم بیان شده است، مثل داستان ساختمان کعبه به دست ابراهیم و اسماعیل^{۲۳} که دارای اسرار و آموزه‌ها و پیام‌های متعددی برای ماست. و نیز حکایات تاریخی که در احادیث و تواریخ معتبر آمده است، مثل جریان آدم^{علیه السلام}، هاجر در صفا و مروه^{۲۴} و درگیری ابراهیم^{علیه السلام} با شیطان^{۲۵} و مانند آن‌ها که بسیاری از اسرار حج را برای ما روشن می‌سازد، که برخی از آن‌ها در مباحث پیش بیان شد. آری، تاریخ انبیای الهی سنت‌ساز است نه تاریخ صرف. یادآوری: استفاده از تاریخ پیامبران و اولیای الهی در استنباط اسرار حج، مستلزم بررسی روایات آن‌ها از نظر سند و دلالت است.

۴. عقل

عقل به دو معنا به کار می‌رود، قوه تفکر و برهان‌های عقلی،^{۲۶} و هر دو معنا می‌تواند در مورد حج کاربرد داشته باشد؛ یعنی اگر ما به وسیله عقل برهانی، مطلبی قطعی از اسرار حج را کشف کردیم، آن مطلب معتبر است؛ چراکه عقل حجت باطنی است. و گاهی عقل با تفکر و خردورزی می‌تواند برداشت‌هایی از مناسک حج داشته باشد. هرچند که این برداشت‌ها نوعی استحسان عقلی است، ولی دلیلی بر ممنوعیت این‌گونه برداشت‌ها در باب اسرار حج نداریم؛ چراکه منتهی به صدور احکام و فتوا نمی‌شود. بنابراین، بیان آن‌ها به صورت یک احتمال، مانعی ندارد. مثال: در سعی میان صفا و مروه، دویدن و هروله برای مردان قرار داده و این فرمان برای زنان نیامده است. ممکن است انسان در این مطلب تفکر کند و به این نتیجه برسد که از آن‌رو هروله برای زنان قرار داده نشده، که دویدن زنان موجب تحریک جنسی مردان می‌شود و این مطلب ممکن است به محیط معنوی سعی صفا و مروه آسیب برساند.

البته این برداشت عقلی نمی‌تواند علت و ملاک حکم را روشن سازد، ولی توجیهی برای تفاوت هروله زنان و مردان است. بنابراین، نمی‌توان از آن نتیجه گرفت که اگر برفرض در زمانی هیچ مردی در سعی صفا و مروه نبود، هروله برای زنان لازم است.

در مورد اسرار حج، هرگاه که سخنان آنان مستند به یکی از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و تاریخ) بود، قابل قبول است. اما در صورتی که مستند نباشد یا براساس منابع غیر معتبر (مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا) باشد، نمی‌توانیم آن‌ها را به‌عنوان اسرار و حکمت‌های حج به شارع نسبت دهیم.

یادآوری: در برداشت‌های عقلی از آیات و احادیث لازم است توجه کنیم که این مطلب به «تفسیر به رأی» منتهی نشود، که در احادیث حرام و ممنوع شمرده شده است.^{۲۷} تفسیر به رأی آن است که انسان بدون توجه به قرائن عقلی و نقلی، مطلبی را براساس رأی و گمان خود، از آیات برداشت کند و به‌صورت قطعی به خدای متعال نسبت دهد.^{۲۸}

۵. شهود و مکاشفه عرفانی

یکی از منابع معرفتی بشر، الهامات و شهود و مکاشفات و رؤیاهای صادق است. ولی این مطلب سه‌گونه است:

الف: گاهی این منبع معرفتی برای پیامبران و معصومان حاصل می‌شود، که در آن صورت حجت است؛ همان‌طور که ابراهیم علیه السلام بر اساس رؤیای خود، می‌خواست فرزندش را قربانی کند.^{۲۹}

ب: گاهی این مکاشفات و رؤیاها برای افراد غیر معصوم اتفاق می‌افتد و شخص مکاشفه‌گر یقین پیدا می‌کند که مکاشفه او حق و صادق است، که در این صورت برای خودش اطمینان‌آور است و چه‌بسا بتواند براساس آن برنامه‌ریزی و عمل کند.

ج: گاهی این شهودها، مکاشفات، الهامات و رؤیاها، برای افراد غیر معصوم حاصل می‌شود و برای دیگران نقل می‌کنند، که البته برای دیگران حجت نخواهد بود؛ چرا که: اولاً: شهود و مکاشفه امری شخصی و غیرقابل انتقال به غیر است؛ یعنی دسترسی به آن



برای دیگران معمولاً ممکن نیست.

ثانیاً: شهود و مکاشفه معمولاً قابل استدلال نیست.

ثالثاً: این‌گونه شهودها و مکاشفات و رؤیاهای، از خطا مصون نیست و احتمال دارد ربانی یا شیطانی باشد.

بنابراین، شهود، مکاشفه و رؤیاهای غیرمعصوم نمی‌تواند یکی از منابع استنباط و استخراج اسرار حج باشد. همان‌طور که منبع معتبری در فقه و کلام و تفسیر به‌شمار نمی‌آید.

۶. سخنان دانشمندان و عرفا

سخنان بزرگان دین و عرفان می‌تواند همچون چراغی روشنگر برای ما باشد و ما را به سرمنزل مقصود رهنمود شود و استفاده از راهنمایی‌ها و ارشادات آن‌ها بر ما لازم است. اما در مورد اسرار حج، هرگاه که سخنان آنان مستند به یکی از منابع معتبر (قرآن، سنت، عقل و تاریخ) بود، قابل قبول است. اما در صورتی که مستند نباشد یا براساس منابع غیر معتبر (مثل شهود، مکاشفه یا رؤیا) باشد، نمی‌توانیم آن‌ها را به‌عنوان اسرار و حکمت‌های حج به شارع نسبت دهیم.

یادآوری: در مورد اسرار حج لازم است از نقل مطالب سست و خواب‌های فراوان و مکاشفات بدون مستند، پرهیز کنیم، چراکه نقل این‌گونه مطالب سست موجب بدبینی افراد فرهیخته به مناسک حج می‌شود.

بنابراین، لازم است اسرار حج از منابع معتبر با شیوه صحیح استخراج و استنباط گردد و برای مردم بیان شود و در آیات و احادیث، اسرار و مطالب علمی فراوان وجود دارد که ما را از نقل مطالب سست بی‌نیاز و غنی می‌سازد.

پی‌نوشت‌ها

۱. بقره: ۱۲۹ - ۱۲۵ و ۱۸۹ و ۲۰۰ - ۱۹۶؛ آل‌عمران: ۹۶ و ۹۷؛ مائده: ۱، ۲، ۹۵، ۹۶ و ۹۷؛ برات: ۳ و ۱۹؛

حج: ۲۷ - ۳۵ و ابراهیم: ۴۰ - ۳۷

۲. آیت‌الله جوادی آملی در تعریف اسرار حج فرموده‌اند: «آن‌چه در محور عمل جوارح یا حدّ خاطره جوانح قرار می‌گیرد، یا از احکام عبادت است و یا از آداب در آن و هیچ یک سرّ عبادت نیست، اما آن‌چه در مدار شهود عقل نظر و انبعاث عقل عمل قرار می‌گیرد، می‌تواند به حساب سرّ عبادت آید.» (صهبای حج، ص ۳۱۳)

۳. حج: ۳۷
۴. بقره: ۱۹۹
۵. بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۸ و ۴۰
۶. حج: ۲۸
۷. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۳۴
۸. حج: ۲۸ و ۲۹
۹. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۴۰
۱۰. برائت (توبه): ۳-۱
۱۱. السنن الكبرى، ج ۵، ص ۱۱۷
۱۲. الفقيه، ج ۲، ص ۲۳۸ ح ۲۲۹۹ و الحج والعمرة في الكتاب والسنة، ری شهری، ص ۶۷
۱۳. بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۲۳۳
۱۴. همان.
۱۵. بحار الأنوار، ج ۹۲، باب بطن قرآن.
۱۶. مبانی و روش های تفسیر، دکتر کاظم شاکر، مبحث دیدگاه های بطن و نیز فصلنامه قیسات، ش ۲۹، مقاله «ظهر و بطن قرآن» از دکتر کلانتری.
۱۷. حج: ۲۹
۱۸. من لا يحضره الفقيه، ج ۲، ص ۴۸۵
۱۹. بحار الأنوار، ج ۹۲، ص ۸۳ (با تلخیص).
۲۰. بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۴۰ و ۴۱
۲۱. نک: منطق تفسیر قرآن و درس نامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن، از نگارنده، انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۲۲. هر چند که تاریخ پیامبران و اولیای الهی، که در قرآن و احادیث آمده است، بخشی از دو منبع قبلی (قرآن و سنت) به شمار می آید، لیکن به خاطر اهمیت آن ها و نیز به جهت آن که بخشی از تاریخ خارج از قرآن و حدیث مصطلح است، این منبع را جداگانه ذکر کردیم.
۲۳. بقره: ۱۲۹-۱۲۵ و آل عمران: ۹۶ و ۹۷
۲۴. نک بحار الأنوار، ج ۹۹، صص ۲۳۳ و ۲۳۴ و علل الشرایع، ص ۴۳۲
۲۵. همان، ص ۲۳۴
۲۶. نک: مفردات راغب اصفهانی، مادة «عقل».
۲۷. نک: عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، صدوق، ج ۱، ص ۱۱۶؛ بحار الأنوار، ج ۸۹، ص ۱۰۷ و سنن ترمذی، ج ۵، ص ۱۹۹
۲۸. نک: منطق تفسیر قرآن (درس نامه روش ها و گرایش های تفسیر قرآن) مبحث تفسیر به رأی، از نگارنده.
۲۹. صفات: ۱۰۲